

إضاعة من المعجزة والعذاب روشنگری از معجزه و عذاب

في الحلقة الأولى من الإضاعات قلت: إن الأنبياء يأتون ليرشدوا الناس إلى فطرة الله التي فطر الناس عليها، ثم يتركونهم يختارون بين الحق الذي جاءوا به أو الباطل الذي عليه الناس وكبرواؤهم من علماء الضلالة، وعادة بداية دعوة المرسلين تستند إلى شخصياتهم التي عرفهم بها قومهم واتصافهم بمكارم الأخلاق وصدق الحديث وأداء الأمانة، ولكن الناس - وحتى القريبين من المرسلين - ولأنهم نكسوا فطرتهم لا يستطيعون معرفة الحق الذي جاء به المرسلون، فتبدأ المسألة بطلب الدليل على الرسالة، فيأتي الرسول بالأدلة الكافية ليعلم الناس أنه صادق، ولكنهم يماطلون ﴿وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ﴾ (الأنعام: ٣٧)، ﴿وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يُكَلِّمُنَا اللَّهُ أَوْ تَأْتِينَا آيَةٌ﴾ (البقرة: ١١٨)، ﴿وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ﴾ (يونس: ٢٠)، ﴿وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ﴾ (الرعد: ٧).

در جلد اول روشنگری ها گفتیم: پیامبران می آیند تا مردم را به سوی فطرتی که خداوند آنها را بر آن سرشته است، راهنمایی کنند. سپس آنان را رها می کنند تا بین حقی که آورده اند یا باطلی که مردم و بزرگان آنها از علمای گمراه بر آن هستند، یکی را برگزینند. به طور معمول آغاز دعوت فرستادگان متکی بر شخصیت آنها می باشد. آنچه قومشان آنان را با آن می شناختند و متصف بودن آنان به بالاترین خصایص اخلاقی و راستی در سخن و ادای امانت. ولی مردم و حتی نزدیکان فرستادگان، به دلیل اینکه فطرت خود را وارونه نموده اند، نمی توانند حقی را که فرستادگان آورده اند، بشناسند. بنابراین مسئله با درخواست دلیل بر رسالت آغاز می شود و فرستاده، دلایل کافی می آورد تا مردم صدق دعوت او را بشناسند؛ ولی آنها تعلل می کنند. «و گفتند: چرا معجزه ای از پروردگارش بر او نازل نشده است؟» ، «و نادان ها گفتند: چرا خدا با ما سخن نمی گوید؟ یا معجزه ای بر ما نمی آید؟» ، «و می گویند: چرا از جانب پروردگارش معجزه ای بر او نازل نمی شود؟» و «و کافران می گویند: چرا از جانب پروردگارش آیتی بر او نازل نمی شود؟».

ما هي الآية المطلوبة؟! آية علمية، آية روحية ملكوتية، آية مادية!!!
آیه و نشانه‌ای که دنبالش هستید، چیست؟! نشانه‌ی علمی، نشانه‌ی روحانی
ملکوتی، نشانه‌ی مادی!!!

الحقيقة، إن الناس يختلفون في الآية المطلوبة والدالة على صدق
المرسل عندهم، فبعضهم يعتبر العلم والحكمة هو الآية، وبعضهم يعتبر
الآيات الملكوتية التي يراها الإنسان بنفسه أو يراها عدد من الناس يتمتع
تواطؤهم على الكذب هي الآية المطلوبة، ومن هذه الآيات الملكوتية
الكشف في اليقظة والرؤيا الصادقة في المنام، أما ما تبقى من الناس
فيعتبرون الآية المادية هي الدليل لا غيرها، وهؤلاء بالحقيقة منكوسون
ماديون، وفي الغالب حتى لو جاءت الآية المادية لا يؤمنون إلا قليل منهم
على شك وريبة في الغالب، وبين يديك رسالات الأنبياء.

حقيقت این است که مردم در آیه و نشانه‌ی مطلوبشان و دلیل بر راستی
فرستادگان اختلاف نظر دارند؛ برخی از آنان علم و حکمت را نشانه می‌دانند و
برخی از آنان آیات و نشانه‌های ملکوتی را معتبر می‌دانند؛ آیاتی که خود انسان
ببیند یا تعدادی از مردم ببینند به طوری که تبانی کردن آنها بر دروغ امکان‌پذیر
نباشد را آیه‌ای که مورد نظرشان است، می‌دانند. از جمله این نشانه‌های
ملکوتی، مکاشفه در بیداری و رؤیای صادقه در خواب می‌باشد. اما بقیه‌ی
مردم، فقط نشانه‌های مادی را دلیل می‌دانند و نه چیز دیگر. این افراد در حقیقت
کسانی هستند که بر اثر مادی‌گرایی، وارونه شده‌اند و اغلب نیز حتی اگر
نشانه‌ی مادی بیاید، جز عده‌ی اندکی، کسی از آنها ایمان نمی‌آورد و اغلبشان
در شک و تردید به سر می‌برند. رسالت‌های پیامبران پیش روی شما قرار
دارند.

وعلى كل حال، نتعرض هنا إلى هذه الآيات على التوالي:
در هر حال، در اینجا به ترتیب به این آیات و نشانه‌ها می‌پردازیم:

الآية العلمية: ﴿وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾ (الجمعة: ۲).

نشانه‌ی علمی: «(و کتاب و حکمتشان بیاموزد اگر چه پیش از آن در گمراهی
آشکار بودند)».

ولعل أهم مائز لدعوات المرسلين هو العلم والحكمة وحسن التدبير، ولكن أكثر الناس لا يميزون بين الحكمة الإلهية التي ينطق بها المرسلون وبين السفسطة التي يعارضهم بها علماء الضلالة قطاع طريق الله سبحانه وتعالى، وعدم التمييز ليس بسبب صعوبة تمييز الحكمة كما يدعي أو يتوهم بعض الناس، بل إن أهم أسباب هذا الخلط هو أن الناس لوثوا فطرتهم وأصبحوا كالأعمى لا يميزون بين الخمر واللبن أو بين سفة الشيطان وحكمة الله سبحانه وتعالى، ويا للأسف فهذا حال معظم الناس في كل زمان.

شاید علم و حکمت و حُسن تدبیر، مهمترین وجه تمایز دعوت‌های فرستادگان باشد؛ ولی بیشتر مردم بین حکمت الهی که فرستادگان از آن سخن می‌گویند و سفسطة‌ای که علمای گمراهی - راهزنان راه خداوند سبحان و متعال - به واسطه‌ی آن، با ایشان مخالفت می‌کنند، تمایزی قایل نمی‌شوند. این عدم تمایز آن گونه که برخی مردم ادعا می‌کنند یا متوهم شده‌اند، به دلیل سخت بودن تشخیص حکمت نمی‌باشد، بلکه مهم‌ترین دلیل این خلط و در هم آمیختگی این است که مردم، فطرت خود را آلوده کرده و مانند نابینایی شده‌اند که بین شراب و شیر یا بین بی‌خردی شیطان و حکمت خداوند سبحان و متعال تمایزی قایل نمی‌شوند و با کمال تأسف وضعیت بیش‌تر مردم در هر زمان، این گونه است!

وكمثال لتوضیح الحال التي وصل إليها المسلمون، إن محمداً (صلى الله عليه وآله وسلّم) جاء بالقران كمعجزة، والمسلمون جميعاً على هذا القول، ولكن من الذي يميز أن القرآن آية معجزة؟ فلو جاء اليوم محمد بن عبد الله (صلى الله عليه وآله وسلّم) ونزل إلى الأرض ومعه سورة قرآنية جديدة، جاء بها من الله سبحانه وتعالى، فهل يستطيع المسلمون أن يميزوا هذه السورة ويقطعون أنها من الله سبحانه وتعالى؟ وبالتالي يثبت عندهم أن هذا الشخص الذي جاء بها هو محمد (صلى الله عليه وآله وسلّم)، أقول وبلا تردد إن معظم المسلمين غير قادرين على التمييز وسواء منهم العلماء أم الجهلاء، إلا إذا كان هناك مسلمون لم يلوثوا فطرتهم، يستطيعون أن

ی‌میزوا هذه السورة ويعرفون أنها آية من الله سبحانه، وبالتالي فإن الذي جاء بها ليس شخصاً اعتيادياً.

به عنوان مثال، وضعیتی که مسلمانان به آن رسیده‌اند، توضیح داده می‌شود: محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) قرآن را به عنوان معجزه آورد و همه‌ی مسلمانان این را پذیرفته‌اند؛ ولی چه کسی می‌تواند تشخیص دهد که قرآن، آیه و نشانه‌ای معجزه‌گونه است؟ اگر امروز محمد بن عبدالله (صلی الله علیه وآله وسلم) بیاید و به زمین فرود آید و همراه او سوره‌ی قرآنی جدیدی باشد که از سوی خداوند سبحان و متعال آورده است، آیا مسلمانان می‌توانند این سوره را تشخیص دهند و یقین نمایند که از سوی خداوند سبحان و متعال می‌باشد؟ و در نتیجه برایشان ثابت شود که شخصی که آن را آورده است، همان محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) می‌باشد؟ بی‌هیچ تردیدی می‌گوییم: بیشتر مسلمانان از چنین تمایز دادنی، ناتوان هستند؛ چه علما باشند و چه جاهلان؛ مگر مسلمان‌هایی که فطرت خودشان را آلوده نکرده باشند؛ آنها این توانایی را دارند که این سوره را تشخیص بدهند و بفهمند که آیه‌ای از جانب خداوند سبحان است و در نتیجه فردی که این سوره را آورده است، فردی عادی و معمولی نمی‌باشد.

إذن، فالنتيجة المتحصلة أن محمداً بن عبد الله (صلی الله علیه وآله وسلم) لو جاء بالقرآن اليوم لكفر به معظم المسلمين ولم يؤمنوا به، ولقالوا ساحر وكذاب.

بنابراین نتیجه‌ای که حاصل می‌شود این است که اگر امروز محمد بن عبدالله (صلی الله علیه وآله وسلم) قرآن را بیاورد، بیشتر مسلمانان به ایشان کافر می‌شوند و به او ایمان نمی‌آورند و می‌گویند: جادوگر و دروغ‌گو.

الآية الملكوتية:

نشانه‌ی ملکوتی:

هناك سؤالان مهمان يطرحان نفسيهما في هذا المقام:
دو پرسش در این جایگاه مطرح می‌شود:

۱- ما هي الآية الملكوتية ؟

۱- نشانه‌ی ملکوتی چیست؟

۲- علی من تكون هذه الآيات الملكوتية حجة؟

۲- این نشانه‌ی ملکوتی برای چه کسی حجت و دلیل می‌باشد؟

والجواب: إن الآيات الملكوتية كثيرة جداً منها الآفاقية الملكوتية ومنها الأنفسية، قال تعالى: ﴿سُنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ﴾ (فصلت: ۵۳)، أي قيام القائم بالحق ومن هذه الآيات:

پاسخ: نشانه‌های ملکوتی در واقع بسیار هستند؛ از جمله، نشانه‌های آفاقی ملکوتی و نشانه‌های نفسانی می‌باشند. خداوند متعال می‌فرماید: «(زودا که آیات و نشانه‌های خود را در آفاق و در وجود خودشان به آنها نشان خواهیم داد تا برایشان آشکار شود که او حق است)»؛ یعنی قیام قائم، حق است. از جمله‌ی این نشانه‌ها عبارت است از:

أ- نور البصيرة واطمئنان القلب والسكينة، إذا كان الإنسان على فطرة الله التي فطر الناس عليها لم يلوثها أو أنه عاد إليها بعد تذكره وانتباهه من الغفلة.

الف- نور بصیرت، اطمینان قلبی، و آرامش و وقار؛ البته اگر انسان بر فطرت خداوندی باشد که مردم را بر آن سرشته است و آن را آلوده نکرده باشد یا اینکه پس از به یاد آوردن و بیدار شدنش از خواب غفلت، به آن فطرت بازگردد.

ب- الفراسة والتوسم في الآفاق والأنفس.

ب- دیدن باطن افراد و توسم (شناخت با فراست و تیزبینی) در آفاق و آنفس.

ت- الرؤيا الصادقة في النوم.

ت- رؤیای صادقانه در خواب.

ث- الرؤيا الصادقة في اليقظة (الكشف) ومنها:

ث- رؤیای صادقانه در بیداری مکاشفه. که عبارت است از:

١- الرؤيا الصادقة في الصلاة .
١- رؤياى صادقه در نماز.

٢- الرؤيا الصادقة في الركوع.
٢- رؤياى صادقه در ركوع.

٣- الرؤيا الصادقة في السجود.
٣- رؤياى صادقه در سجده.

٤- الرؤيا الصادقة في السنة بين النوم واليقظة.
٤- رؤياى صادقه در چرت بين خواب و بيدارى.

٥- الرؤيا الصادقة عند قراءة القران.
٥- رؤياى صادقه هنگام خواندن قرآن.

٦- الرؤيا الصادقة عند السير إلى أبي عبد الله الحسين ع.
٦- رؤياى صادقه هنگام رفتن خدمت ابا عبدالله امام حسين ع.

٧- الرؤيا الصادقة عند الدعاء والتضرع إلى الله سبحانه وتعالى.
٧- رؤياى صادقه هنگام دعا و تضرع به درگاه خداوند سبحان و متعال.

٨- الرؤيا الصادقة في أضرحة الأئمة والأنبياء (عليهم السلام) والمساجد
والحسينيات وغيرها كثير.

٨- رؤياى صادقه در ضريحهاى امامان و پیامبران (عليهم السلام) و مساجد
و حسينيهها و بسيارى موارد ديگر.

وكل هذه الأنواع من الكشف والرؤيا الصادقة هي آيات إلهية لأنها لا
تكون إلا بأمر الله وبمشيئة الله سبحانه وتعالى، ويقوم بها ملائكة الله
سبحانه وتعالى وعباده الصالحون، الذين لا يسبقونه بالقول وهم بأمره

یعملون. فهذه الآيات حجة بالغة لله سبحانه وتعالى على عباده، لأنها كلماته التي يكلم بها الناس، فمن كذب بها فقد كذب الله سبحانه وتعالى، وهذا أعظم أنواع الكفر والتكذيب، قال تعالى: ﴿سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ﴾ (فصلت: ۵۳).

همه‌ی انواع این مکاشفه‌ها و رؤیاهای صادقانه نشانه‌های الهی است؛ چرا که فقط با دستور خداوند و به خواست و مشیت خداوند سبحان و متعال صورت می‌پذیرند و انجام این‌ها را فرشتگان خدای سبحان و متعال و بندگان شایسته‌ی او عهده‌دار می‌باشند؛ کسانی که از سخن او پیشی نمی‌گیرند و تنها به فرمان او عمل می‌کنند. این نشانه‌ها، دلیل رسا و حجت بالغه‌ی خداوند سبحان و متعال بر بندگان است؛ چرا که کلمات او هستند که به واسطه‌ی آنها با مردم سخن می‌گوید. کسی که اینها را تکذیب کند، خداوند سبحان و متعال را تکذیب کرده است، و این، از بزرگ‌ترین انواع کُفر و تکذیب محسوب می‌گردد. خداوند متعال می‌فرماید: «(زودا که آیات و نشانه‌های خود را در آفاق و در وجود خودشان به آنها نشان خواهیم داد تا برایشان آشکار شود که او حق است)».

أي الآفاق الملكوتية والملكية وفي النفس الإنسانية، ليتبين لهم أنه الحق، أي قيام القائم ع، كما جاء في الروايات عنهم ع؛ لأن الناس يكذبون به ولا يصدقونه.

یعنی آفاق ملکوتی و ملکی و در نفس انسانی؛ تا برایشان روشن شود که او حق است؛ یعنی قیام قائم ع؛ همان طور که در روایات از ائمه ع نقل شده است؛ چرا که مردم او را تکذیب می‌کنند و او را تصدیق نمی‌نمایند.

والله سبحانه وتعالى يعتبر أن معظم الناس غافلون ومعرضون عن الآيات النفسية والآفاقية، ولهذا يكون الكفر بالرسالات الإلهية نتيجة حتمية وحصيلة نهائية لا بد منها، ﴿وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ عَنِ آيَاتِنَا لَغَافِلُونَ﴾ (يونس: ۹۲)، ﴿وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ﴾ (يونس: ۷)، ﴿وَآتَيْنَاهُمْ آيَاتِنَا فَكَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ﴾ (الحجر: ۸۱).

خداوند سبحان و متعال می‌داند که بیشتر مردم غافل‌اند و از نشانه‌های نفسانی و آفاقی روی‌گردان هستند و به همین دلیل، کُفر به رسالت‌های الهی،

نتیجه‌ی حتمی و محصول نهایی است که از آن گریزی نمی‌باشد. «(و حال آنکه بسیاری از مردم از آیات ما غافل‌اند)» ، «(و به زندگی دنیا خوشنود و راضی شده و به آن آرامش یافته‌اند، و آنان که از آیات ما غافل‌اند)» و «(آیات خویش را بر آنان رسانیدیم؛ ولی از آن روی گردان بودند)».

وفي النهاية يهدد الله سبحانه وتعالى هؤلاء القوم الذين لا يؤمنون بالآيات الأنفسية والآفاقية وخصوصاً علماء الضلالة الذين يفسطون ويجادلون لإبطال حجة هذه الآيات الإلهية، ويتوعدهم الله سبحانه وتعالى: ﴿وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ﴾ (الحج: ٥١)، ﴿وَالَّذِينَ يَسْعَوْنَ فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ﴾ (سبأ: ٣٨)، ﴿إِذَا لَهُمْ مَكْرٌ فِي آيَاتِنَا قُلِ اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُوبُونَ مَا تَمْكُرُونَ﴾ (يونس: ٢١)، ﴿وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مِنْ رِجْزِ أَلِيمٍ﴾ (سبأ: ٥).

در نهایت، خداوند سبحان و متعال این قومی را که به نشانه‌های نفسانی و آفاقی ایمان نمی‌آورند، تهدید می‌کند؛ مخصوصاً علمای گمراهی؛ کسانی که سفسطه‌بافی می‌کنند و برای ابطال حجت و دلیل بودن این نشانه‌های الهی جدال می‌کنند. خداوند سبحان و متعال به آنان وعده می‌دهد: «(و آنان که در رد آیات ما می‌کوشند و می‌خواهند ما را به عجز آورند، آنان جهنمیان هستند)» ، «(آنان که به آیات ما می‌تازند تا ما را ناتوان سازند، آنها حاضرشدگان در عذاب هستند)» ، «(در آیات ما مکر و خدعه می‌کنند. بگو: مکر خدا سریع‌تر است، رسولان ما خدعه‌ها و بداندیشی‌های شما را می‌نویسند)» و «(و آنان که به آیات ما می‌تازند تا ما را ناتوان سازند، برایشان عذابی است از بلای دردآور)».

فهذه الآيات حجة دامغة سواء على أصحابها أم على الناس القريبين منهم والمعاشرين لهم، أو على الأقل فهي على غير أصحابها إن لم تكن حجة لكثرتها، فهي سبب يحفزهم بقوة للبحث في الدعوة الإلهية وتصديق الرسول الذي أرسل بها، ولكن مع الأسف معظم الناس سيبقون غافلين عن الآيات الملكوتية حتى تخرج دابة الأرض تختم جباههم بأنهم كافرون

بآيات الله، ﴿وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ﴾ (النمل: ٨٢).

این آیات و نشانه‌ها، حجت و دلیلی قاطع و غیر قابل انکار می‌باشد؛ هم برای بینندگانشان و هم برای کسانی که به ایشان نزدیک هستند و با آنها معاشرت دارند. اگر هم برای غیر از بینندگانشان با وجود بسیار بودنشان، دلیل نباشد، حائل عامل نیرومندی است که آنان را به شدت تشویق می‌کند تا در مورد دعوت الهی و فرستاده‌ای که آنها را آورده است، تحقیق و جست‌وجو کنند؛ ولی متأسفانه بیشتر مردم از نشانه‌های ملکوتی غافل‌اند، تا اینکه «دابّة الارض» (جنبده‌ی زمین) خروج کند و بر پیشانی آنان نشانه بگذارد که آنها به نشانه‌های خداوند کافر می‌باشند. «(چون سخن بر ایشان محقق گردد، برایشان جنبده‌ای از زمین بیرون می‌آوریم که با آنان سخن بگوید که این مردم به آیات ما یقین نمی‌آوردند)».

الآية الجسمانية (المادية):

نشانه‌ی جسمانی (مادی):

وهي آخر العلاج و آخر العلاج الكي، مع إن الكي للحيوان لا للإنسان. این آخرین درمان است و آخرین درمان، داغ کردن می‌باشد؛ با اینکه داغ کردن مخصوص حیوان است و نه انسان!

وعادة تكون بطلب وإلحاح من الناس، بعد أن اعتذروا بأعذار واهية عن عدم التصديق بالمرسلين والأدلة الدامغة التي واجهوهم بها، والآيات الأنفسية والآفاقية العظيمة التي أظهرها الله سبحانه وتعالى في خلقه، لتصديق دعوة أوليائه ورسله الذين أرسلهم لإصلاح الفساد، ﴿وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يُكَلِّمُنَا اللَّهُ أَوْ تَأْتِينَا آيَةٌ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِم مِّثْلَ قَوْلِهِمْ تَشَابَهتْ قُلُوبُهُمْ قَدْ بَيَّنَّا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ﴾ (البقرة: ١١٨).

معمولاً این نشانه‌ها با درخواست و اصرار مردم صورت می‌پذیرند؛ البته پس از اینکه با عذر و بهانه‌های واهی برای عدم تصدیق فرستادگان، عذرتراشی کردند و دلایل قاطع و کوبنده‌ای که به وسیله‌شان با آنها روبرو شدند و

نشانه‌های آنفُسی و آفاقی بزرگی که خداوند سبحان و متعال برای آفریده‌ها آشکار فرمود را نپذیرفتند، تا دعوت اولیا و فرستادگانشان را که برای اصلاح فساد ارسال فرموده است، تایید و تصدیق کنند. «(و نادانان گفتند: چرا خدا با ما سخن نمی‌گوید؟ یا معجزه‌ای بر ما نمی‌آید؟ پیشینیانشان نیز اینچنین سخنانی می‌گفتند. دل‌هاشان همانند یکدیگر است. ما برای آنان که به یقین رسیده‌اند، آیات را بیان کرده‌ایم)».

وفي هذه المرحلة الأخيرة من الآيات، أي مرحلة الآية المادية، يكون العذاب مرافقاً للآية، قال تعالى: ﴿هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ فَدَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابُ أَلِيمٍ﴾ (الأعراف: ٧٣). فبمجرد التأكيد بهذه الآية واتخاذ موقف مضاد ينزل العذاب، ﴿هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ فَدَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ قَرِيبٌ﴾ (هود: ٦٤).

این مرحله‌ی پایانی نشانه‌ها می‌باشد؛ یعنی مرحله‌ی آیه و نشانه‌ی مادی، و عذاب، همراه با این نشانه است. خداوند متعال می‌فرماید: «(این ماده شتر خدا برایتان نشانه‌ای است، رهایش کنید تا در زمین خدا بچرد و هیچ آسیبی به او نرسانید که عذابی دردآور شما را فرا خواهد گرفت)» و به مجرد تکذیب این نشانه و برگرفتن جایگاهی بر ضد آن، عذاب، فرستاده خواهد شد: «(این ماده شتر خداوند و نشانه‌ای است برای شما. بگذاریدش تا در زمین خدا بچرد و به بدی میازاریدش که به زودی عذاب شما را فرو گیرد)».

والحقیقة أن المتوقع هو الإعراض عن الآية المادية، كما حصل الإعراض عن الآيات الأنفسية والآفاقية الملكوتية، لأن المكذبين بملکوت السماوات وبغيب الله سبحانه وتعالى وبكلمات الله في الرؤيا الصادقة حتماً هم أناس منكوسون، قال تعالى: ﴿سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِي الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِنْ يَرَوْا كَلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْغَيِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ﴾ (الأعراف: ١٤٦).

حقیقت این است که آنچه انتظار می‌رود، روی گردانیدن از نشانه‌ی مادی می‌باشد؛ همان طور که از نشانه‌های نفسانی و آفاقی ملکوتی روی گردانی

حاصل شد؛ از این رو که تکذیب‌کنندگان ملکوت آسمان‌ها و غیب خداوند سبحان و متعال و کلمات خداوند در رویای صادق، به طور قطع و یقین انسان‌های وارونه شده‌ای هستند. خداوند متعال می‌فرماید: «(آن کسانی را که به ناحق در زمین سرکشی می‌کنند، زودا که از آیات خویش روی گردان سازم، چنان که هر آیتی را که بینند ایمان نیاورند و اگر طریق هدایت بینند آن را برنگیرند و اگر طریق گمراهی بینند از آن راه بروند؛ زیرا اینان آیات را دروغ انگاشتند و از آن غفلت ورزیدند)».

وهؤلاء حقت عليهم كلمة العذاب لأنهم كذبوا كلمات الله وردوا أيدي المرسلين إلى أفواههم ولم يستمعوا كلماتهم وحكمتهم، ﴿وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ * إِنَّ الَّذِينَ حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ * وَلَوْ جَاءَتْهُمْ كُلُّ آيَةٍ حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ﴿

(یونس: ۹۵-۹۷)، فعند هؤلاء كل آية مؤولة جن .. سحر .. أو أي شيء آخر حتى يروا العذاب الأليم، ﴿وَقَالُوا مَهْمَا تَأْتِنَا بِهِ مِنْ آيَةٍ لِنَسْحَرَنَّ بِهَا فَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ﴾ (الأعراف: ۱۳۲)، ﴿وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرَضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُسْتَمِرٌّ﴾ (القمر: ۲).

اینها کسانی هستند که کلمه‌ی عذاب بر آنها محقق شده است؛ به این دلیل که کلمات خداوند را تکذیب نمودند و انگشت سکوت بر دهان فرستادگان نهادند و سخنان و حکمت‌شان را نشنیدند. «(و از آنان که آیات خدا را تکذیب می‌کنند مباش که در زمره‌ی زیان‌کنندگان باشی * کسانی که سخن پروردگار تو در باره‌ی آنان تحقق یافت، ایمان نمی‌آورند * هر چند هر گونه معجزه‌ای بر آنان آشکار شود تا آنگاه که عذاب دردآور را بنگرند)». در این هنگام است که همه‌ی نشانه‌ها با جنّ.... سحر.... یا هر چیز دیگری تأویل می‌شود؛ تا اینکه عذاب دردناک را ببینند. «(و گفتند: هر آیه و نشانه‌ای برای ما بیاوری تا ما را با آن جادو کنی، هرگز مؤمن به تو نخواهیم بود)» و «(و اگر آیه و نشانه‌ای ببینند، روی بگردانند و گویند: جادویی است پیوسته)».

وفي النهاية وعندما يقف المكذبون على حافة جهنم، يتذكرون كيف واجهوا المرسلين واتهموهم بأنهم سحرة، فيأتيهم النداء لينبهم إلى عاقبتهم المخزية: ﴿أَفَسِحْرٌ هَذَا أَمْ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ﴾ (الطور: ۱۵).

در نهایت و هنگامی که کافران بر لبه‌ی جهنم می‌ایستند، به یاد می‌آورند که چگونه با فرستادگان برخورد کردند و آنان را به جادوگر بودن متهم نمودند. ندایی بر ایشان می‌آید تا آنان را متوجه عاقبت خوارکننده‌شان نماید: «(آیا این جادو است؟! یا شما نمی‌بینید?!))».